

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندل شینرسون

Torah studies ترجمه کتاب

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:

Mr. Parviz Mojdehi

*

Reprinted with permission by:

Chabad Persian Youth

&

Moshiach Awareness Center

Issue # 25

Parshat Tzav, Shabbat Hagadol, 5778

7 Nissan, 5778

March 23, 2018



Friday, March 23, Light Shabbat Candles, by 6:48 p.m

Saturday, March 24, Shabbat ends at 7:53 p.m.

(Times are for Los Angeles)

This week's issue is sponsored in part by:

B"H

YOSEF Y. SHAGALOV

Traveling Notary Public & Home Signing Agent

Member: National Notary Association

Cell Phone: (323) 934-7095 • Fax: (323) 934-7092

E-mail: yys770@aol.com

"For All Your Notary Needs - At *Your* Location"

E-Z Office Machines
LA's Eazy Office Solution

In Business Since 1990

**SALE • SERVICE • REPAIR
RENT • LEASE**

- COPIERS
- LASER PRINTERS
- FAX
- TYPEWRITERS

ISAAC
310-557-0702
FREE PICK-UP
& DELIVERY

1439 S. ROBERTSON BLVD., LOS ANGELES, CA 90035
www.ezofficemachines.com

Reprinted with permission by:

CPY

Chabad Persian Youth

9022 W Pico Boulevard.

Los Angeles, CA 90035

Tel.: (310) 777-0358

Fax: (310) 777-0357

http://www.cpycenter.org

e-mail: cpycenter@sbcglobal.net

Rabbi Hertzal Peer, Executive Director

&

Moshiach Awareness Center,

a Project of:

Enlightenment For The Blind, Inc.

602 North Orange Drive.

Los Angeles, CA 90036

Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092

http://www.torah4blind.org

e-mail: yys@torah4blind.org

Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

صَو

در ادامه مطالبی که در پاراشای قبل عنوان شد این پاراشا تشابهاتی را که ما بین میشکاتی که بیسرائل ها در بیابان درست کردند و میشکاتی که هر فرد یهودی در درون خود دارد را دنبال کرده و در مورد آن آتش دائمی که همواره می بایست در مذبح مشتعل نگاه داشته شود توضیح میدهد. براسی اهمیت این آتش چه می باشد؟ این آتش، او را در مقابل چه چیزی محافظت می کند؟ این ها سئوالاتی است که در این پاراشا راجع به آنها بحث می شود.

۱ - آتش دائم

"آتش دائم همواره روی مذبح شعله ور بوده، هرگز خاموش نشود".^۱ در مورد این پاسوق تلمود^۲ یروشلمی توضیح میدهد "دائم، حتی در شبات - دائم، حتی در حالت طوما - (ناپاکی)".^۳ همانگونه که قبلا توضیح دادیم^۳ همه جنبه های میشکان فیزیکی که بیسرائل ها در بیابان ساختند شکل مقابل خود را در میشکان روحانی در درون روح هر فرد یهودی دارا می باشد. قلب هر فرد بیسرائل قربانگاهی است برای خداوند و در مقابل دو مذبحی که در میشکان وجود داشت، مذبح داخلی و مذبح خارجی، قلب او نیز دارای دو لایه است لایه خارجی یعنی شخصیت خارجی و ظاهری او و لایه داخلی یعنی ذات درونی و اساسی او.^۴ آن مذبحی که آتش دائم می بایست همواره بر روی آن شعله ور باشد مذبح خارجی بود و این برای هر فرد یهودی به معنای آن است که آتش عشق او نسبت به خداوند اثر خارجی داشته و باز و آشکار باشد. این عشق یک مالکیت خصوصی نیست که در اعماق ذهن نگاه داشته شود. بلکه می بایست بصورت آشکار و باز و روشن به همه نشان داده شود.

۲ - ترک شده و جدا شده

شبات به معنای استراحت و ترک کردن کارهای روزانه هفتگی می باشد. که در این روز اعمال روزانه ممنوع هستند. اما شبات نه فقط یک روز در هفته میباشد بلکه همچنین نوعی حالت

To Place Your Advert
Here:
call (323) 934-7095

۳- رجوع شود به صفحات ۷-۸-۱۳۶

۱- یبقرآ ۶-۶

۲- یوما ۴-۶

۴- لیکوتی تورا - دواریم ۷۸ د

فکری است. شبای یکی از ابعاد روح انسانی، حالتی از تفکر و تعمق روحانی می باشد. رابطه این حالت با شبای در پاسوق، "روز شبای را روز شادی بخوانید" نهفته شده است.^۵ در روز شبای احساس کردن خداوند عمیق تر و بارزتر است. و این حالت انسان را وادار می کند که از مادیات و مسائل غیر مذهبی دور و جدا بشود. اما رسیدن به این مرحله ممکن است انسان را دچار اشتباه کند. شخص ممکن است فکر کند که لازمه رسیدن تا به این حد که انسان خداوند را احساس کند گذشتن و صرف نظر کردن از احساس و عشق و رسیدن به تفکر مطلق می باشد. در این حالت، تفکر برتر بودن خود را بر احساس کسب می کند. در این وقت او ممکن است به خود بگوید دیگر احتیاجی به آتش عشق نیست. و این حالت همان شخصی است که تلمود یروشلمی در مورد او می گوید که این "آتش در وجود او نمی بایست خاموش شود حتی در شبای".^۶ مورد دیگری هم وجود دارد. و آن شخصی است که آنچنان "رابطه اش با خداوند دور شده است که احساس می کند دیگر وابستگی و ارتباطی با خداوند ندارد. در این مورد تلمود می گوید "این آتش نمی بایست در وجود او خاموش شود حتی در "حالت طوما (ناپاکی)" جرقه ای همواره در زوایای روح هر فرد یسرائل شعله ور است که اگر این جرقه به انرژی عشق به خدا وصل شود می تواند به شعله ای تبدیل شده و دائماً روشن باشد. "مگیدمزریچ"^۶ می گفت که بجای آنکه پاسوق را به این صورت بخوانیم که "آتش خاموش نشود" می توانیم پاسوق را به این صورت بخوانیم که "این آتش" حالت "نه" را خاموش کند. آتش عشق به خداوند منفی هارا از بین می برد. و انسان را از تعهد به حالتی که او را همواره در شک و تردید نگاه داشته و می گوید "نه" خارج می کند.

۳- سردی

این کلمات "مگید" تاکید بر این حقیقت دارد که برای از بین بردن "نه" این آتش عشق به خداوند، می بایست در انسان دائمی و همیشگی بوده و همواره بوسیله وابستگی به تورا و میصوت تغذیه شود. در عبادت خداوند، چند وقت یکبار، گاه بگاه، بعضی اوقات، دیگر کافی نیست این نوع طرز تفکر باعث می شود که این آتش^۷ شعله اش را از دست بدهد و "نه" دوباره تسلط پیدا کند. این مطلب این پاسوق را توضیح می دهد که "بیاد بیاور که زمانی که از مصر بیرون آمدی عمالق

فرد یهودی می بایست، روح و آتش عشق و علاقه را در هر^{۱۴} سه جنبه از زندگی مذهبی خود وارد کند: در تورا در عبادت خدا (تفیلا) و در دادن صداقا. مطالعه تورا نمی بایست به عنوان انجام وظیفه تلقی شده و به کمترین میزان خود برسد. کلمات تورا هرگز نمی بایست از دهان یک فرد یهودی دور شود و همواره می بایست با آتش جان عنوان بشوند. در تلمود گفته شده است که "بروریا روزی فردی را دید که مشغول خواندن تورا با صدای ضعیف بود. در حالتی که او را سرزنش می کرد گفت: "مگر نوشته نشده است که همه چیز را دستور داده و مطمئن است" اگر تورا بوسیله ۲۴۸ عضو بدن تو عنوان بشود آن زمان است که مطمئن است.^{۱۵} در غیر اینصورت مطمئن نمی باشد. به عبارت دیگر تورا می بایست در تمامی وجود انسان نفوذ پیدا کند تا آنجا که انسان بتواند بگوید "تمامی استخوانهایم می گوید: "ای خداوند، کیست همانند تو"^{۱۶} عبادت خداوند به معنای تفیلا می باشد در "پیرکی آووت" آمده است که "تفیلائی خودت را همچون یک وظیفه انجام نده بلکه تفیلائی تو درخواستی باشد برای دریافت محبت و ترحم از خداوند"^{۱۷}

دادن صداقا به معنای انجام میصوت می باشد. و این عمل نیز نمی بایست از روی اجبار و بی میلی انجام شود بلکه با علاقه و عشقی که بارز است و خودش را نشان میدهد. به این ترتیب که انسان آنرا به زیباترین نحوه ممکن انجام بدهد. اینها مکان هایی هستند که این آتش باید در آنجا روشن شود. و این آتشی که انسان در زمین به پا می کند آن آتش آسمانی را به پائین می آورد، خداوند را در جهان شرکت داده، و بی نهایت را در حد نهایت قرار میدهد.

(منابع: لیکوتی تورا جلد اول صفحه ۲۱۷-۲۱۹) (Source: Likkutei Sichot, Vol. 1, pp. 217-219)

به همین علت است که در مدت هفت روز افتتاحیه میشکان، میشکان دائماً ساخته و به هم متصل میشد و دوباره از هم باز میشد. به عنوان یک کار انسانی میشکان نمی توانست دائمی باشد. اما در روز هشتم حضور خداوند در آن پائین آمد و فقط در آن وقت بود که میشکان هم ابدی شد. هفت روز متوالی تشکیل یک هفته را میدهند که معیاری معمولی برای زمان ما می باشد. روز هشتم روزی است ورای زمان معمولی که نماینده ابدی بودن است و به همین علت بود که در روز هشتم آتش الهی پائین آمد آتشی که جوابی بود به کوشش های انسان محدود از طرف خداوند نامحدود^{۱۲}

۵- محدودیت ها

اگر چه انسان نمی تواند خودش به بی نهایت برسد. ولی آتش بی نهایت برای او فرود می آید. و این فقط زمانی اتفاق می افتد که او آتش خود را کاملاً درست کرده باشد و به مرزهای امکانات معنوی خود رسیده باشد. انسان زمانی بوسیله خداوند جواب داده میشود که به مرزهای امکانات و قابلیت های خود رسیده باشد نه زمانی که تسلیم یأس و ناامیدی شده باشد. این موضوع به وسیله کلمه "آتش دائم" توضیح داده شده است. آنچه که دائمی و همیشگی است بی نهایت است زیرا که پایانی در زمان برای آن نیست. اگر چه زمان از قسمتهای محدود مانند ثانیه، دقیقه و ساعت تشکیل شده است و حتی دنباله بینهایت ساعت ها نیز در بعد خودش محدود می باشد.^{۱۳} اما، ما خودمان را با بخشیدن زمان زندگی محدودمان به خداوند، خداوندی که زمان برایش وجود ندارد، ملحق می کنیم تا آنجا که زمان نیز خودش ابدی شده و طبیعت نیز ماوراء طبیعی می شود. چرا که پاداش اینگونه عبادت خداوند کسب برکت موفقیت می باشد. موفقیتی که ورای نظام طبیعی بوده ولی در درون دنیای طبیعی انجام می شود.

۶- وجود آتش در عبادت خداوند

معنای واقعی وجود آتش در عبادت خداوند آن است که وجود هر فرد یهودی یک میشکان برای حضور خداوند است و حتی اگر چه او تورا می خواند و میصوت را انجام میدهد اگر در درون او این آتش دائم موجود نباشد، خداوند در وجود او ساکن نمی شود. برای اینکه تمامی اعمال او بدون روح و علاقه بوده و نشانه هایی از آن گناه گوساله پرستی در وجود او هنوز باقی است یعنی همان "نه" و بی تفاوتی که صدای سردی می باشد.

با توجه کرد: چگونه او در راه با تو برخورد کرد.^۸ عمالق سمبل سردی و بی تفاوتی در زندگی معنوی می باشد کلمه "قورحا" که ترجمه آن "برخورد کردن" است به معنای "سرد کردن" هم میباشد. عمالق همانگونه که در تورا می گوید: به آن ضعفایی که در پشت تو می آمدند حمله کرد و تو خسته و درمانده بودی و او از خداوند هم ترس نداشت.

عمالق که در وجود هر فرد یهودی می باشد سعی دارد که یک چنین عملی را انجام دهد. آن صدایی است که زمانی که عشق به خداوند ضعیف و کم شده است می گوید "نه". صدایی که از خداوند نمی ترسد. و به ما دستور داده شده است که هر روز عمالق را بیاد بیاوریم و این به معنای آن است که ما هرگز نمی بایست اجازه دهیم که سردی و بی تفاوتی بر ما غلبه کرده و آتش عشق به خداوند در قلب ما فروکش کند.

۴- آتش از پائین و آتش از بالا

آتش دائمی که ساخته و پرداخته شده کوشش و فعالیت خود انسان بود آمادگی و زمینه ای را فراهم کرد که آن آتش آسمانی از طرف خداوند به پائین بیاید. در این مورد تلمود می گوید: "اگر چه آتش از آسمان به پائین می آمد ولی به بیسرائل ها دستور داده شده بود که آنها هم آتش بیاورند".^۹ این برانگیخته شدن از پائین بود که باعث جواب از طرف خداوند میشد. این جواب تنها زمانی داده میشد که این آتش، آتشی کامل و بدون نقص بود.

این موضوع در این پاراشا و در پاراشای بعدی بسیار واضح عنوان شده است. در تمامی مدتی که مُشه و اهرون و میشکان، مقدس می شدند و وسایل میشکان آماده بودند و قربانی ها هم تقدیم میشد، آتش الهی و آسمانی در آن فرود نیامد. علت آن بود که اثراتی^{۱۰} از گناه گوساله پرستی هنوز موجود بود. فقط در روز هشتم زمانی که آتش دائم برقرار شد^{۱۱} یعنی هفت روز دائم این آتش روشن^{۱۱} بود، این گناه پاک شد و "نه" و حالت "نه" از بین رفت و جلال خداوند بر همه مردم ظاهر شد.

این آتشی که از آسمان آمد چه بود؟ چرا آمدن آن ملزم به کامل شدن آتش زمینی بود؟ علت آن است که انسان یک موجود خلق شده و محدود است و در آنچه که می تواند کسب کند محدودیت وجود دارد. اعمال او بوسیله زمان نیز محدود می گردد. برای ابدی شدن احتیاج به آن است که پدیده ای آسمانی در این موضوع دخالت کند.